

اثر آزادی اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران (با تاکید بر شاخص‌های آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج)

سعید دائی کریم‌زاده^۱، محمود سلیمانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴

چکیده

در اقتصاد اغلب کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه که فاقد بازارهای مالی پیشرفته هستند، بانک‌ها نقشی اساسی به عنوان مهمترین واسطه مالی ایفا می‌کنند. بهبود عملکرد بانک‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تخصیص بهینه منابع مالی داشته باشد. عملکرد بانک‌ها تحت تأثیر عوامل داخلی تحت کنترل بانک‌ها و عوامل بیرونی است. آزادی اقتصادی با توجه به تأثیر بر محیط مبادلات می‌تواند بر کیفیت عملکرد بانک‌ها تأثیرگذار باشد. در این مطالعه تأثیر مهمترین متغیرهای داخلی خاص بانکی شامل نقدینگی بانک‌ها، اندازه، ریسک اعتباری، نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به دارایی‌ها و سرمایه بانک‌ها و متغیرهای کلیدی شرایط اقتصاد کلان شامل نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم و نیز شاخص‌های آزادی اقتصادی مرتبط با بخش مالی اقتصاد بر عملکرد بانک‌ها در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۴ با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آنست که شاخص‌های آزادی اقتصادی کل و آزادی از مداخله دولت اثر منفی و شاخص‌های نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، سرمایه بانک‌ها، آزادی کسب و کار، آزادی پولی و آزادی از فساد اثر مثبت بر عملکرد بانک‌ها در ایران دارند.

طبقه بندی JEL: G21, G28, E02.

واژگان کلیدی: آزادی اقتصادی، نرخ بازده دارایی‌ها، عملکرد بانک‌ها، داده‌های تابلویی.

۱. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: saeedkarimzade@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Email: soleimani.ma@gmail.com

مقدمه

در سال‌های اخیر بخش بانک به عنوان مهمترین واسطه مالی در کشورهای مختلف جهان دست‌خوش تحولات مهمی قرار گرفته است. طی دهه‌های اخیر بازارهای مالی به طور چشمگیری توسعه یافته‌اند و ابداعات مالی با نرخ حیرت‌انگیزی ظاهر شده‌اند. در نتیجه بازارهای مالی هم اکنون ارائه دهنده برخی خدمات هستند که پیش از آن، توسط بانک‌ها به طور انحصاری فراهم می‌شد.

علی‌رغم تحولات اخیر، بانک‌ها همچنان نقش بسیار مهمی در اقتصاد بازی می‌کنند. آنها نقش مهمی در فرآیند تخصیص منابع و به طور خاص در تخصیص سرمایه ایفا می‌کنند و بانک‌های با عملکرد بهتر، می‌توانند در تحریک رشد اقتصادی و در نهایت رفاه بیشتر کشورها نقش آفرینی کنند.

در دهه گذشته بخش بانک در اقتصاد ایران دست‌خوش تغییرات عمده از جمله صدور مجوز ورود بانک‌های خصوصی، تأسیس موسسات مالی متعدد و نیز واگذاری بخشی از سهام تعدادی از بانک‌های دولتی به بخش خصوصی است. شرایط جدید بخش بانک در اقتصاد ایران مستلزم تلاش برای بهبود عملکرد بانک‌ها است و به دنبال آن مطالعه عوامل مؤثر بر عملکرد بانک‌ها می‌تواند مهم باشد.

عملکرد بانک‌ها به طور عمده تحت تأثیر دو دسته از عوامل است. دسته اول عوامل درونی است که بیشتر مربوط به مدیریت بانک و شامل عواملی همچون نقدینگی بانک، اندازه بانک، سرمایه بانک و ریسک اعتباری است. دسته دوم عوامل محیطی اقتصاد شامل متغیرهای مهم اقتصاد کلان مانند نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، نرخ ارز و مقررات حاکم بر اقتصاد و نیز درجه آزادی اقتصادی است.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده تاکنون مطالعات فراوانی در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در ادبیات اقتصادی انجام شده است. اما بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر عملکرد بخش مالی و به خصوص بانک‌ها موضوعی است که با وجود اهمیت آن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. طبق بررسی‌های انجام پذیرفته تاکنون پژوهشی با تمرکز بر اثر آزادی اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران انجام نشده است.

با توجه به بحران مالی اخیر موضوع نظارت بر بانک‌ها و نهادهای مالی و میزان آزادی اقتصادی دوباره در مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. توجه به تأثیر عملیات بانک‌ها بر عملکرد کل اقتصاد، توسعه مکانیزم‌های نظارت بر بخش بانکی و کنترل عملکرد آنها مهم است (بارت و همکاران^۱، ۲۰۰۶).

با این وجود، کنترل مستقیم و مداخله بیش از حد در بخش بانکی توسط دولت‌ها ممکن است به ناکارآمدی و فساد منجر شود. در واقع مقررات دولتی و مداخله‌های دولت ممکن است از طریق محدود کردن بیش از حد بانک‌ها، اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. (بیچ و کان^۲، ۲۰۰۸).

۱. Barth et al

۲. Beach and Kane



در واقع به نظر می‌رسد آزادی اقتصادی فاکتوری مهم و اثرگذار بر مشارکت بانک‌ها در فعالیت اقتصادی و نیز کیفیت عملکرد آنها باشد. این اثر ممکن است از طریق تأثیر بر مکانیزم‌های محیط اقتصادی مانند فضای رقابت و محیط مبادله باشد.

سوالات اصلی که این مقاله در پی پاسخ به آنها است، به شرح زیر است:

آیا آزادی اقتصادی تأثیر معناداری بر سودآوری بانک‌ها در ایران دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، جهت تأثیر چگونه است؟ و آزادی اقتصادی از چه کانال‌هایی بر سودآوری بانک‌ها اثر دارد؟

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن اشخاص در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های خصوصی که از طریق قانونی بدست آمده است. در این مطالعه به دلیل اعتبار قابل قبول و استفاده فراوان در مقالات علمی پژوهشی، از شاخص‌های آزادی اقتصادی منتشر شده توسط بنیاد بین‌المللی هریتیج استفاده می‌شود. از میان شاخص‌های ده‌گانه آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج شامل آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، آزادی پولی، آزادی از فساد، آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، آزادی مالی، آزادی از دخالت دولت، آزادی سرمایه‌گذاری و شاخص حقوق مالکیت، سه شاخص آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی و شاخص حقوق مالکیت در طول دوره مورد مطالعه در کشور ایران تغییری نکرده و به همین دلیل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. از میان سایر شاخص‌ها نیز شاخص‌های مرتبط با بخش مالی اقتصاد به خصوص بخش بانکی انتخاب شده‌اند که شامل شاخص‌های آزادی کسب و کار، آزادی پولی، آزادی از مداخله دولت و آزادی از فساد است.

این مقاله با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های مهم آزادی اقتصادی بر سودآوری بانک‌ها در ایران با استفاده از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی تدوین گردیده است. ساختار مقاله به این ترتیب تنظیم شده است. در بخش دوم با اشاره‌ای به مبانی نظری به برخی از مطالعات مرتبط مهم پیشین پرداخته می‌شود. در بخش سوم به معرفی الگوی تجربی و در بخش چهارم یافته‌های تجربی و در بخش پنجم بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی‌شان است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند. بنیاد هریتیج^۱، آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالا بپردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آنجا که آزادی به عنوان نبود الزام، فشار و محدودیت در انتخاب عمل است و اقتصاد مرتبط با



تولید توزیع و مصرف کالاها است، می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات تعبیر کرد (جانسون، ۱۹۹۹). در یک تعریف کلی، آزادی اقتصادی عبارت است از حقوق اولیه و بنیادین هر انسان برای کنترل نیروی کار و اموال خودش. در جامعه‌ای که به لحاظ اقتصادی آزاد است، افراد در فرایندهای اقتصادی اعم از کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به هر شکلی که تمایل داشته باشند، آزاد هستند (هولمز و همکاران، ۲۰۱۱). در چنین جامعه‌ای، آزادی اقتصادی هم توسط دولت حمایت می‌شود و هم دولت نمی‌تواند ایجاد محدودیت کند. طبق این تعریف، عناصر اصلی آزادی اقتصادی عبارتند از انتخاب فردی، مبادله داوطلبانه، آزادی رقابت در بازارها و حفاظت از افراد و مالکیت. بنابراین آزادی اقتصادی را باید در چهار حوزه‌ی اصلی مورد توجه قرار داد. اولین حوزه، به اهمیت انتخاب فردی می‌پردازد که به معنای تأکید بر نقش محوری فرد فرد انسانی در فرایندهای اقتصادی است و به نوعی می‌توان آن را ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین نوع آزادی دانست که حق انتخاب را به فرد، نه به گروه و نه به برنامه‌ریزی می‌دهد.

دومین حوزه آزادی در مبادلات است که بر حق افراد در مبادله‌ی مایملک خود به نحوی که دل خواه آنها باشد می‌پردازد. سومین حوزه، آزادی رقابت در بازارها است که به معنای حق افراد برای ورود، خروج و کسب و کار و رقابت در بازار با سایرین است. آخرین حوزه هم حفاظت از افراد و مایملک آنهاست، به طوری که حق افراد را در آنچه از راه‌های مشروع به دست آورده‌اند به رسمیت شناخته و از آنها و دارایی‌هایشان در مقابل سایر افراد محافظت می‌کند.

سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان آزادی‌های اقتصادی را اندازه‌گیری کرد؟ متخصصان در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی شروع به اندازه‌گیری آزادی‌های اقتصادی و رتبه‌بندی کشورها کردند. در همین راستا، سازمان‌هایی نظیر خانه آزادی^۲، بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر^۳ به همراه تعدادی از متخصصان در تلاش برای اندازه‌گیری آزادی اقتصادی، شاخص‌های آزادی اقتصادی را منتشر ساختند.

۱-۱-۱. شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج

۱. Johnson
۲. Holmes et al
۳. Freedom House
۴. Fraser



بنیاد هریتیج یک مؤسسه تحقیقاتی آموزشی است که در سال ۱۹۷۳ در واشنگتن تأسیس شده و از سال ۱۹۹۵ با همکاری روزنامه وال استریت، سالیانه به محاسبه شاخص آزادی اقتصادی کشورها و رتبه‌بندی آنها می‌پردازد. از دید بنیاد هریتیج جامعه‌ای را می‌توان آزاد نامید که در آن سه شرط برقرار باشد:

نخست، افراد اختیاردارِ ماحصل تلاش و کوشش خود باشند. دوم، موفقیت و شکست افراد مرهون تلاش فردی آنها نباشد نه وابسته به موقعیت‌های رانتهی آنها و ویژگی‌هایی مانند نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی و موقعیت خانوادگی و سوم، قدرت اتخاذ تصمیمات اقتصادی در میان افراد و گروه‌ها پخش شده باشد. این شرایط راهنمای تعریف شاخص آزادی‌های اقتصادی هستند.

اهمیت اساسی رابطه فرد و دولت سبب شده است که تمرکز اصلی تعریف شاخص آزادی اقتصادی بر عملکرد دولت باشد. از میان ده متغیری که شاخص آزادی اقتصادی را تشکیل می‌دهند، پنج متغیر (متغیرهای دولت محدود و تنظیم بازار) مستقیماً رفتار دولت را هدف‌گیری می‌کند. پنج متغیر دیگر (متغیرهای حاکمیت قانون و بازار آزاد) تحت تأثیر رفتار دولت به علاوه عوامل دیگر تعیین می‌شوند.

این بنیاد در ویرایش سال ۲۰۰۷ تغییراتی را در روش رتبه‌بندی خود ایجاد کرده است. در روش قبلی امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۱ تا ۵ تعیین می‌شد و نیز کسب امتیاز بالاتر به معنی آزادی اقتصادی کمتر بود، ولی در روش جدید امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۰ تا ۱۰۰ درصد تعیین می‌شود و کسب امتیاز بالاتر به معنی آزادی بیشتر است. امتیاز شاخص کل از میانگین ساده امتیازات ۱۰ شاخص فرعی تعیین می‌شود. داده‌ها از منابع خارجی گردآوری شده و توسط کارشناسان هریتیج تکمیل می‌شوند و به این‌که داده مورد نیاز برای امتیازدهی هر مؤلفه یا شاخص فرعی به طور دقیق از کدام منبع استخراج شده، اشاره‌ای نمی‌شود. امتیاز شاخص‌های فرعی بر اساس ترکیبی از مؤلفه‌های عینی و ذهنی تعیین می‌شود و روش مستدل و واحدی در نحوه ترکیب مؤلفه‌ها و تشکیل شاخص‌های فرعی به کار نمی‌رود. در گزارش‌های کشورهای در رابطه با عوامل مؤثر بر امتیاز شاخص‌های فرعی به طور کلی بحث می‌شود و علاوه بر اعلام رتبه کشور در جهان، رتبه منطقه‌ای آن نیز اعلام می‌گردد. شاخص در مجموع از ترکیب ۴۱ مؤلفه تشکیل شده است. شاخص‌های فرعی عبارتند از:

- ۱- آزادی کسب و کار: این شاخص فرعی توانایی آغاز، ادامه و بستن کسب و کار توسط بخش خصوصی را با توجه به میزان محدودیت ایجاد شده از جانب قوانین و مقررات دولتی نشان می‌دهد.
- ۲- آزادی نیروی کار: این شاخص جوانب مختلف چارچوب قانونی بازار کار کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.



منبع اصلی داده برای محاسبه این دو شاخص فرعی، شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی و روش محاسبه آن نیز به صورت زیر است:

$$(1) \quad \text{میانگین جهانی مولفه} \times 50 = \text{امتیاز مولفه} \\ \text{مقدار در کشور مورد نظر}$$

۳- آزادی تجاری^۱: شاخصی ترکیبی از عدم وجود موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات و صادرات کالاها و خدمات است.

$$\text{درجه محدودیت غیرهای تعرفه ای} = \frac{\text{نرخ تعرفه کشور} - \text{بالاترین نرخ تعرفه}}{\text{نرخ تعرفه کشور} - \text{پایینترین نرخ تعرفه}} \times 100 = \text{آزادی تجاری کشور}$$

موانع غیرتعرفه‌ای در محدوده ۰ تا ۲۰ امتیازدهی می‌شود. صفر نشان دهنده این است که هیچ محدودیتی در تجارت بین‌المللی وجود ندارد و عدد ۲۰ نشانگر بالاترین میزان محدودیت است.

۴- آزادی مالیاتی^۲: معیاری از فشار مالی تحمیلی بر بخش خصوصی از جانب درآمدهای دولت است که پایین بودن هر چه بیشتر نرخ‌های مالیاتی و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به معنای وجود آزادی مالیاتی و در نتیجه آزادی اقتصادی بیشتر است.

$$(3) \quad \text{امتیاز مولفه مالیاتی کشور} = 100 - 2\alpha = \text{آزادی مالیاتی}$$

مقدار هر یک از سه مؤلفه تشکیل دهنده آزادی مالیاتی، عددی بین ۰ تا ۱۰۰ است. α مساوی با ۰/۰۳ منظور می‌شود.

۵- آزادی از مداخله دولت^۳: این شاخص سطح مخارج دولت را نسبت به GDP اندازه می‌گیرد و کوچکتر بودن آن به معنی آزادی بیشتر است. α مساوی با ۰/۰۳ منظور می‌شود.

$$(4) \quad \text{مخارج مصرفی کشور} = 100 - 2\alpha = \text{آزادی از مداخله دولت}$$

۱. Trade Freedom
۲. Fiscal Freedom
۳. Government Size



۶- آزادی پولی^۱: معیاری از ثبات قیمت و کنترل‌های قیمتی توسط دولت است. میانگین وزنی تورم سه سال اخیر هر کشور لحاظ شده و کنترل‌های قیمتی نیز بین ۰ تا ۲۰ درجه بندی می‌شود.

$$(۵) \quad \text{کنترل‌های قیمتی} - (\text{میانگین وزنی تورم}) / ۵۵ = ۱۰۰ - \text{آزادی پولی کشور}$$

۷- آزادی سرمایه‌گذاری^۲: این شاخص سیاست‌های دولت‌ها در رابطه ورود جریان سرمایه به کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.

۸- آزادی مالی^۳: معیاری از امنیت و آزادی از کنترل‌های دولتی در امور بانکی و بانکداری است.

۹- آزادی حقوق مالکیت^۴: این شاخص توانایی بخش خصوصی را نسبت به نگهداری و جابجایی دارایی‌ها، تضمین مالکیت شخصی توسط قوانین شفاف و اجرای کامل این قوانین توسط دولت نشان می‌دهد.

۱۰- آزادی از فساد^۵: فساد، آزادی اقتصادی را به دلیل ایجاد ناامنی و ناطمینانی در روابط اقتصادی محدود می‌کند.

امتیازات شاخص‌های ۷ تا ۱۰ به صورت ذهنی بین ۰ تا ۱۰۰ درجه‌بندی می‌شوند. به طور مثال، امتیاز آزادی مالی کشور ۱۰۰ خواهد بود اگر تأثیر دولت بر موسسات مالی و بر سیستم بانکداری کشور بسیار ناچیز باشد. بانک مرکزی مستقل، مقررات محدود برای موسسات مالی، تخصیص اعتبارات به صورت بازار آزاد، نبود مؤسسات با مالکیت دولتی، آزاد بودن بانک‌ها در رقابت، توسعه اعتبار و پذیرش سپرده و عملکرد آزادانه مؤسسات مالی خارجی همانند مؤسسات داخلی از جمله شرایط تعلق امتیاز ۱۰۰ به هر کشور است.

۲-۱. عملکرد بانک

کیفیت و روند تحویل درآمدها در یک نهاد مالی، ارتباط زیادی به چگونگی مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در آن دارد. کسب درآمد در یک نهاد مالی باید سودآور باشد، به نحوی که از رشد دارایی‌ها حمایت کرده و قابلیت اندوخته سازی را در سازمان بالا ببرد و منجر به افزایش ارزش حقوق صاحبان سهام شود. عملکرد درآمدی خوب، به افزایش اطمینان سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و بخش عمومی نسبت به مؤسسه منتهی خواهد شد (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳).

۱. Monetary Freedom

۲ Investment freedom

۳ Financial freedom

۴ Property rights

۵ Freedom from corruption

عملکرد بانک معمولاً به عنوان تابعی از عوامل داخلی و خارجی بیان می‌شود. عوامل داخلی عواملی است که به طور عمده تحت تأثیر تصمیمات مدیریت بانک و اهداف سیاستی هستند، عواملی از قبیل سطح نقدینگی بانک، کفایت سرمایه، مدیریت هزینه و اندازه بانک. از سوی دیگر عوامل خارجی شامل متغیرهای خاص صنعت و متغیرهای اقتصاد کلان مانند نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم است. نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) شاید مهمترین نسبت برای مقایسه کارایی و عملکرد عملیاتی بانک‌ها باشد، زیرا بازده تولید شده به وسیله دارایی‌های بانک را اندازه‌گیری می‌کند (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳). در ادبیات عملکرد بانک‌ها، به طور معمول از شاخص نرخ بازده دارایی‌ها و یا نرخ بازده سرمایه (ROE) استفاده می‌شود. ROA نشان دهنده سود به دست آمده از هر ریال دارایی بانک است و مهم‌تر اینکه انعکاسی از توانایی مدیریت بانک در استفاده بهینه از منابع بانک جهت کسب سود است. همچنین نسبت به نوسانات بازار از استحکام بالاتری برخوردار است (صوفیان و حبیب الله، ۲۰۱۰) و به نظر می‌رسد با توجه به ساختار ناهمگون بانک‌ها در ایران و عدم وجود بازار سرمایه کارا نسبت به ROE از اعتبار بالاتری برخوردار باشد. همسو با مطالعاتی مانند بن ناکپور و گواید (۲۰۰۸)، کاسمیدو (۲۰۰۸) و صوفیان و حبیب الله (۲۰۱۰) متغیر وابسته مورد استفاده در این مقاله نرخ بازده دارایی (ROA) است.

۳-۱. آزادی اقتصادی و عملکرد بانک‌ها

به دلیل نقش حیاتی که بانک‌ها در اقتصاد ایفا می‌کنند نظارت شدید و وضع مقررات بر عملکرد آنها امری لازم است (بارت و همکاران ۲۰۰۶). دو دلیل عمده برای وضع مقررات و نظارت ویژه بر بخش بانکی بیان می‌شود: نخست حفاظت از امنیت و سلامت سیستم مالی و دوم اطمینان از امانت‌داری بانک‌ها و مؤسسات مالی. هر دو وظیفه در لوای قوه قضاییه و دولت در اجرایی شدن قراردادهای و حمایت از شهروندان در برابر تقلب بانک‌ها و مؤسسات مالی انجام می‌پذیرد. در این راستا مطالعاتی از جمله هوستون و همکاران (۲۰۱۰) مایر و ساسمن (۲۰۰۱) و آسم اوغلو و همکاران (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که رابطه مثبت بین حمایت از سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه و توسعه اقتصادی وجود دارد. لین و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که رابطه مثبتی بین افشای اطلاعات و سطح کارایی بانک وجود دارد. به طور کلی این مطالعات وجود رابطه مهم بین نظام‌های حقوقی، حمایت از سرمایه‌گذاران و توسعه بازار سرمایه را تأیید می‌کنند.

با این وجود، زمانی که دخالت دولتی فراتر از سطح حداقل باشد، خود عاملی جهت نابودی آزادی اقتصادی می‌شود و کنترل بیشتر توسط دولت تهدیدی برای عملکرد بانک‌ها است. دخالت بیش از حد دولت می‌تواند به ناکارایی و فساد بانک‌ها منجر شود (بیچ و کان، ۲۰۰۸). مقررات بیش از حد می‌تواند فرصت‌ها را کاهش داده و آزادی اقتصادی را محدود کند. بیچ و کان (۲۰۰۸) دریافته‌اند که بازار باید به عنوان منبع اصلی حمایت باشد که از طریق نقش حسابرسان مستقل و خدمات اطلاعات در محیط بانکی آزاد میسر است. بحث دیگر اینست که بانک‌های با مالکیت دولتی معمولاً ابزاری برای حمایت‌های سیاسی هستند و این منجر به عدم توفیق آنها



در ایفای نقش واسطه‌گری مفید می‌شود. بنابراین این گونه دخالت دولت در بازار آزادی اقتصادی را محدود می‌کنند.

این بینش‌های مهم به کشف کانال‌های مختلفی که آزادی اقتصادی از طریق آنها رشد اقتصادی را تحریک می‌کند، منجر شده است. در بسیاری از مطالعات تأثیر مثبت آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی تأیید می‌شود و با وجود اهمیت بالای بانک‌ها و به خصوص تسهیلات بانکی در تحریک رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی بر بخش بانکی تأثیرگذار خواهد بود (صوفیان و حبیب‌اله، ۲۰۱۰).

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر سودآوری بانک شامل عوامل داخلی بانک و متغیرهای اقتصاد کلان از فراوانی قابل توجهی برخوردار است ولی مطالعات داخلی که به موضوع اثر آزادی اقتصادی بر سودآوری بانک پرداخته باشند وجود ندارد و مطالعات خارج از کشور نیز از فراوانی کافی برخوردار نیستند. همچنین تاکنون مبانی نظری مدونی در خصوص ارتباط شاخص‌های آزادی اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ادبیات اقتصادی وجود نداشته و از این منظر مقاله حاضر از نوع مقالات تجربی محسوب می‌شود. لذا در این بخش به برخی از مهمترین مطالعات داخلی و خارجی انجام گرفته در خصوص موضوع اشاره می‌شود.

باقری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری (مطالعه موردی: بانک رفاه) عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها را به دو گروه عوامل داخلی قابل کنترل مدیریت بانک و عوامل بیرونی فراتر از مدیریت بانک تفکیک نموده است. شکل تابعی مناسب برای تحلیل سودآوری بانک‌ها را فرم خطی آن پیشنهاد می‌کند. بنابراین با استفاده از یک مدل خطی رگرسیونی برای دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۶۲ عوامل مؤثر و تعیین‌کننده سودآوری بانک رفاه کارگران تخمین و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد: مدیریت کارای هزینه‌ها یکی از متغیرهای توضیحی معنی‌دار برای سودآوری بالای بانک است. علاوه بر آن دارایی‌های کنترلی مدیریت تعهدات تأثیر معنی‌داری در سودآوری دارند. در میان عوامل بیرونی رشد اقتصادی نیز اثر مثبتی بر سودآوری بانک دارد و از طرف دیگر نرخ تورم با یک معنی‌داری پایین اثر معکوسی بر سودآوری داشته است.

سامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی ابتدا به تشریح عوامل مؤثر بر فساد مالی پرداخته و مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی را بررسی می‌کنند. سپس با استفاده از سه مدل، به بررسی اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر فساد مالی می‌پردازند. این مدل‌ها با رویکرد داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور طی چهار سال ۲۰۰۳-۲۰۰۰ برآورد شده است. نتایج بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است.

نادری و شربت اوغلی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها در چارچوب نمونه‌ای از کشورهای جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ و با برآورد یک مدل تجربی رشد اقتصادی ملاحظه کردند که کشورهایی که شرایط رقابت پذیری اقتصادی برای آنها مناسب‌تر است، رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند.

سامتی و گوگردچیان (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله، مطالعه موردی برای کشورهای OECD^۱ با درآمد بالا طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ انجام داده‌اند. در این بررسی تجربی نتایج مطالعه نشان دهنده تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله بوده و بیان می‌کنند که این تأثیر در کشورهای منتخب طی دوره مورد مطالعه بر تمامی شاخص‌های هزینه مبادله معرفی شده هر چند دارای تأثیر منفی بوده ولی تأثیر توان دوم شاخص آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله مثبت است. یعنی شکل کلی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله در این کشورها U شکل و به صورت فرم دوم محدب بوده است. به عبارتی در این کشورها آزادی اقتصادی در ابتدا موجب کاهش هزینه مبادله شده است. ولی در ادامه افزایش آزادی اقتصادی افزایش هزینه‌های مبادلاتی را به همراه دارد.

حسینی و خیر شکن (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر نسبت‌های سودآوری در صنعت بانکداری ایران (مطالعه موردی بانک‌های تجاری ایران) به بررسی عوامل مؤثر بر نسبت‌های سودآوری در بانک‌های تجاری ایران پرداختند. برای این منظور تأثیر متغیرهای مستقل مدل که بیانگر مشخصه‌های درونی بانک (ریسک بانک، اندازه بانک و تعداد دستگاه‌های خودپرداز بانک) ویژگی‌های خاص صنعت (تمرکز بازار بانک، سهم بانک) و شاخص‌های اقتصاد کلان (نرخ تورم، میزان تولید ناخالص داخلی) بر بازده دارایی‌ها و بازده سرمایه صاحبان سهام که به عنوان شاخص‌های سودآوری بانک قلمداد می‌شوند، محاسبه شده است برای محاسبه تأثیر این عوامل از داده‌های مربوط به بانک‌های تجاری ایران در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۱ استفاده شده است. داده‌های این تحقیق به صورت داده‌های ترکیبی است و این داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی و روش‌های اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: که شاخص تمرکز بازار بانک و اندازه بانک، ریسک بانک و میزان گسترش بانکداری الکترونیک که در این تحقیق بر اساس تعداد دستگاه‌های خود پرداز مشخص گردیده، تأثیر معکوس بر نسبت سودآوری بانک‌های تجاری داشته و شاخص سهم بازار بانک، نرخ تورم و میزان تولید ناخالص با نسبت‌های سود آوری این بانک‌ها رابطه مستقیم دارد.

شاهچرا و جوزدانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر نسبت سرمایه بر سودآوری بانک‌های دولتی و خصوصی ایران با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۰ نشان

دادند که رابطه منفی معناداری بین نسبت سرمایه و سودآوری بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران وجود دارد و رابطه بین متغیر سیکل‌های تجاری بر سودآوری بانک‌ها در ایران نیز مثبت ولی دارای معنی‌داری کم است. شوال پور و اشعری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها در ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر ریسک اعتباری بر سودآوری ۱۵ بانک و موسسه اعتباری در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۲ پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش رابط منفی معنادار بین ریسک اعتباری و سودآوری بانک‌ها را تایید می‌نماید.

طیبه و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان اثر رقابت‌پذیری و شاخص‌های توسعه مالی بر سودآوری سیستم بانکی ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی برای ده بانک کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۷۴ رابطه بین سودآوری نظام بانکی کشور و رقابت‌پذیری، شاخص‌های توسعه مالی و سایر تعیین‌کننده‌های اقتصاد کلان مثل تورم و درآمد سرانه را بررسی نمودند. نتایج تجربی نشان می‌دهد شاخص‌های توسعه مالی و رقابت‌پذیری اثری بر سودآوری بانک‌های دولتی غیر تخصصی و بانک‌های خصوصی نداشته است ولی درآمد سرانه و سایر متغیرها اثر مورد انتظار و معنی‌داری دارند.

بن ناکپور (۲۰۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل تعیین‌کننده سودآوری صنعت بانکداری تونس به بررسی سودآوری ده بانک اصلی سپرده‌پذیر در تونس طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۱۹۸۰) پرداخت. نتایج نشان می‌دهد از میان عوامل داخلی، سرمایه‌بلا، هزینه‌های بالا سری و میزان وام‌های بانکی اعطا شده، تأثیر مستقیم برافزایش سودآوری و حاشیه سود خالص دارند و اندازه بانک اثر معنادار و منفی بر حاشیه سودخالص بانک‌ها دارد. شاخص‌های اقتصاد کلان یعنی تورم و تولید ناخالص داخلی بر حاشیه بهره خالص و سودآوری اثر مهمی ندارند. و از میان شاخص‌های مربوط به ساختار مالی، تمرکز نسبت به رقابت آزاد اثر مثبت کمتری بر سودآوری و حاشیه سود خالص بانک‌ها دارد. شاخص توسعه بازار سهام اثر مثبتی بر سودآوری بانک‌ها دارد. که نشان دهنده وابستگی توسعه بازار سهام و بانک‌ها است. همچنین عدم مداخله دولت در صنعت بانکداری با سودآوری این بخش سازگار است.

در مطالعه‌ای که توسط چانتا پونگ^۱ (۲۰۰۵) با عنوان مطالعه تطبیقی عملکرد بانک‌های داخلی و خارجی در تایلند در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ انجام شده است، یافته‌های تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که همه بانک‌ها در طول سال‌های بحران با کاهش اعتبار مواجه شده و به تدریج در سال‌های پس از بحران سودآوری بانک‌ها بهبود می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که در سال‌های پس از بحران بانک‌های خارجی سودآوری بالاتری نسبت به میانگین سودآوری بانک‌های داخلی داشته‌اند و در سال‌های پس از بحران به تدریج این شکاف بین سودآوری بانک‌های داخلی و خارجی از بین رفته است که نشان دهنده آثار مثبت برنامه بازسازی است.

۱. Chantapong

هیفرنان^۱ و فو^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان عوامل تعیین کننده عملکرد بانک‌ها در چین طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۹ نشان دادند که ارزش افزوده و خالص بهره نهایی (NIM)^۳ بهتر از مقیاس‌های متعارف برای اندازه گیری سودآوری یعنی نرخ بازده دارایی و نرخ متوسط بازده سهام عمل می‌کنند. تعدادی از متغیرهای کلان اقتصادی و نسبت‌های مالی با علائم مورد انتظار معنا دارند، اگر چه نوع بانک بی‌تأثیر است و اندازه بانک نیز بی‌تأثیر بود. همچنین درصد مالکیت خارجی در هیچ یک از بانک‌ها تأثیر محسوسی نداشته است.

آتانساگلو و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه عوامل تعیین کننده سودآوری بانک، عوامل ویژه بانک، عوامل ویژه صنعت و عوامل ویژه اقتصاد کلان طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۵ دریافتند متغیرهای سرمایه، رشد بهره‌وری و مدیریت هزینه با سودآوری رابطه مثبت دارند. در این میان متغیر تورم پیش‌بینی شده، به علت اعمال کاهش سود سپرده‌ها قبل از کاهش نرخ سود وام‌ها، رابطه مثبت با سودآوری دارد. و متغیرهای اندازه بانک و مالکیت بانک تأثیر چندانی بر سودآوری ندارند. همچنین متغیرهای ویژه صنعت تأثیر قابل توجهی بر سودآوری ندارند. اما متغیر ریسک اعتباری رابطه معنی دار و منفی با سودآوری بانک دارد. متغیر تراکم تأثیر منفی اندکی بر سودآوری بانک دارد. اثر چرخه‌های اقتصادی بر سودآوری بانک‌ها نامتقارن است و تنها زمانی که رشد اقتصادی بیش از روند آن باشد، اثر مثبت بر سودآوری بانک‌ها دارد.

کاسمیدو^۴ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل تعیین کننده سودآوری بانک‌ها در یونان در دوره یکپارچگی مالی اتحادیه اروپا به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری ۲۳ بانک در یونان طی دوره (۲۰۰۲-۱۹۹۰) پرداختند. نتایج بدست آمده بیانگر این است که عامل کیفیت سرمایه اثر مثبت و با اهمیت بر سودآوری بانک و عامل اندازه بانک در صورتی که تنها متغیرهای ویژه بانک وارد شود اثر مثبت و ناچیز و در صورت وارد کردن متغیرهای اقتصاد کلان و ساختار بازار مالی اثر مثبت و با اهمیت بر سودآوری بانک دارد. مطالبات مشکوک الوصول، نقدینگی و نسبت هزینه به درآمد دارای اثر منفی و با اهمیت بر سودآوری بانک هستند. در میان متغیرهای اقتصاد کلان تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و با اهمیت بر سودآوری است. تورم دارای اثر منفی و با اهمیت بر سودآوری بانک و هر سه متغیر ساختار بازار مالی دارای اثر منفی و با اهمیت بر سودآوری بانک هستند.

۱. Heffernan
۲. Fu
۳. Net Interest margin
۴. kosmidou



بن ناکپور^۱ و گواید^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی اثر ویژگی‌های خاص بانک، ساختار مالی و شرایط اقتصاد کلان بر نرخ بهره نهایی و سودآوری بانک‌های تونس در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ دریافتند که بانک‌هایی که سرمایه نسبتاً بالا و نیز هزینه‌های سر بار بالا دارند به سمت بالاتر شدن سطوح نرخ خالص بهره نهایی و سودآوری متمایل می‌شوند. در حالی که اندازه بانک، اثری منفی بر سودآوری بانک‌ها دارد. توسعه بازار سهام اثر مثبت روی سودآوری بانک دارد. یافته‌های تجربی نشان دادند بانک‌های خصوصی نسبتاً سودآوری بیشتری نسبت به همتایان دولتی خود دارند. همچنین محیط اقتصاد کلان اثر معناداری بر سودآوری بانک‌های تونس ندارد.

در پژوهشی دیگر که توسط راملال^۳ (۲۰۰۹) با عنوان عوامل تعیین کننده ویژه بانک، ویژه صنعت و اقتصاد کلان در سودآوری بخش بانکداری تایوان در دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۲ به انجام رسیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد: معیار سودآوری با ریسک اعتباری و مطالبات مشکوک الوصول دارای ارتباط معنی دار و منفی قوی است و به ازای هر یک درصد تغییر در ریسک اعتباری، سودآوری به میزان ۰/۹۴٪ درصد تغییر می‌کند. همچنین سرمایه اثر معنی دار و مثبت بر سودآوری دارد. که این ناشی از توان بیشتر بانک‌ها در جهت افزایش قدرت اعتبار دهی و در نهایت کسب سود است. اما ضریب سرمایه نسبت به ریسک اعتباری تأثیر کمتری بر سودآوری دارد.

صوفیان و حبیب الله (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان آیا آزادی اقتصادی عملکرد بانک‌ها را بهبود می‌دهد (شواهد تابلویی از مالزی) شواهد تجربی تازه‌ای در مورد تأثیر آزادی اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها ارائه کردند. تجزیه و تحلیل تجربی مربوط به بخش بانکداری مالزی طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۹ است. یافته‌ها مقاله نشان می‌دهد آزادی کل اقتصاد و آزادی کسب و کار اثرات مثبت دارند و این نتیجه بر این دلالت دارد که آزادی بالا (پایین) بر فعالیت‌هایی که بانک‌ها می‌توانند انجام دهند و نیز فعالیت کارآفرینان برای شروع یک کسب و کار، اثر مثبت دارد و منجر به افزایش (کاهش) سودآوری بانک‌ها می‌شود. همچنین با مشاهده یافته‌های تجربی به نظر می‌رسد فساد اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها در مالزی دارد. نکته قابل توجه دیگر اثر منفی آزادی پولی بر سودآوری بانک‌ها است که نشان دهنده اهمیت مداخله دولت در سودآوری عملیات بانکداری در مالزی است. لاوو و همکاران^۴ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان آزادی اقتصادی و توسعه بانکداری برای شش کشور غرب آسیا طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۷۵ با استفاده از شواهد تابلویی نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین

۱. Ben Naceur
۲. Goaid
۳. Ramlal
۴. Low et al

آزادی اقتصادی و توسعه بخش بانکداری کشور سنگاپور وجود دارد ولی رابطه معنی داری برای همه کشورها مشاهده نشده است

صوفیان و عبدالمجید (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان رابطه بین آزادی اقتصادی و عملکرد بانک‌های اسلامی در بخش بانکداری کشورهای منطقه منا، بر تجزیه و تحلیل تجربی عملیات بانکی بانک‌های اسلامی منطقه منا طی دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ تمرکز کردند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: اندازه بزرگتر، تنوع بیشتر و ارزش سرمایه بالاتر بانک‌های اسلامی سودآوری به نسبت بالاتری برای آنها به همراه دارد، در حالی که ریسک اعتباری و هزینه ربحان رفتاری اثر منفی بر سودآوری بانک دارد. یافته‌ها همچنین نشان دهنده اثر مثبت آزادی مالی بر سودآوری عملیات بانکداری منطقه منا می‌باشد. جالب توجه آنکه اثر آزادی پولی بر سودآوری بانک‌ها منفی می‌باشد و حاکی از آن است که بالا (پایین) بودن استقلال سیاست‌های پولی منجر به کاهش (افزایش) سودآوری بانک‌های اسلامی می‌شود.

۳. معرفی الگو

تحقیق بر حسب هدف کاربردی و بر حسب روش توصیفی - همبستگی مبتنی بر روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی است. به علت عدم دسترسی به داده‌های کلیه بانک‌های فعال در اقتصاد ایران، پژوهش با استفاده از داده‌های هجده بانک فعال شامل اقتصاد نوین، پارسیان، کارآفرین، سامان، پاسارگاد، سرمایه، سینا، تجارت، صادرات، ملت، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن، توسعه تعاون، ملی، سپه، رفاه کارگران و پست بانک طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۴ انجام شد.

داده‌ها مربوط به شاخص‌های آزادی اقتصادی از سایت اینترنتی بنیاد هریتیج گردآوری شد و داده‌های متغیرهای بانکی از صورت‌های مالی بانک‌ها در اداره آمار بانکی بانک مرکزی و داده‌های متغیرهای کلان از بانک اطلاعات سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شد. برآورد الگو به روش حداقل مربعات تعمیم یافته در داده‌های تابلویی و به کمک نرم‌افزار ۱۳ stata انجام شد و از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۰ نیز جهت پردازش داده‌ها استفاده گردید.

بررسی ادبیات سودآوری در مورد بانک‌ها نشان می‌دهد فرم تابعی برای تحلیل سودآوری فرم خطی است. شورت و بروک^۱ (۱۹۸۹) چندین شکل تابعی را مورد بررسی قرار دادند و نشان داده‌اند نتایج حاصل از مدل خطی به علت سادگی آن، به خوبی هر فرم تابعی دیگر است. همچنین مطالعه دیبنت و دایویس^۲ (۲۰۰۸)

1. Short and Brock
2. Debandt, o,davis



نشان داد از میان سایر اشکال، فرم خطی لگاریتمی معمولاً برازش بهتری نسبت به سایر اشکال تولید می‌کند. با توجه به تعداد نسبتاً بالای متغیرها و به منظور تمرکز بر اثر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر سودآوری بانک‌ها، الگوی تحقیق در قالب پنج الگوی مجزا بررسی و برآورد می‌شود. الگوهای مورد نظر بر اساس مطالعات تجربی انجام گرفته و به ویژه فرم تابعی مورد استفاده توسط صوفیان و حبیب‌اله (۲۰۱۰) به اشکال زیر تعریف می‌شود:

$$(ROA)_{it} = \beta_0 + \beta_1(LOANS/TA)_{it} + \beta_2 \ln(TA)_{it} + \beta_3(LLP/TL)_{it} + \beta_4(NIE/TA)_{it} + \beta_5(EQASS)_{it} + \zeta_1(GDPR)_t + \zeta_2(INFL)_t + \delta_1(OVER_FREE)_t + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

$$\varepsilon_{it} = v_{it} + u_{it}$$

$$(ROA)_{it} = \beta_0 + \beta_1(LOANS/TA)_{it} + \beta_2 \ln(TA)_{it} + \beta_3(LLP/TL)_{it} + \beta_4(NIE/TA)_{it} + \beta_5(EQASS)_{it} + \zeta_1(GDPR)_t + \delta_2(BUSI_FREE)_t + \varepsilon_{it} \quad (۷)$$

$$\varepsilon_{it} = v_{it} + u_{it}$$

$$(ROA)_{it} = \beta_0 + \beta_1(LOANS/TA)_{it} + \beta_2 \ln(TA)_{it} + \beta_3(LLP/TL)_{it} + \beta_4(NIE/TA)_{it} + \beta_5(EQASS)_{it} + \zeta_1(GDPR)_t + \zeta_2(INFL)_t + \delta_1(MONE_FREE)_t + \varepsilon_{it} \quad (۸)$$

$$\varepsilon_{it} = v_{it} + u_{it}$$

$$(ROA)_{it} = \beta_0 + \beta_1(LOANS/TA)_{it} + \beta_3 \ln(TA)_{it} + \beta_4(LLP/TL)_{it} + \beta_5(NIE/TA)_{it} + \beta_6(EQASS)_{it} + \zeta_1(GDPR)_t + \zeta_2(INFL)_t + \delta_1(GOVERE_FREE)_t + \varepsilon_{it} \quad (۹)$$

$$\varepsilon_{it} = v_{it} + u_{it}$$

$$(ROA)_{it} = \beta_0 + \beta_1(LOANS/TA)_{it} + \beta_3 \ln(TA)_{it} + \beta_4(LLP/TL)_{it} + \beta_5(NIE/TA)_{it} + \beta_6(EQASS)_{it} + \zeta_1(GDPR)_t + \zeta_2(INFL)_t + \delta_1(CORR_FREE)_t + \varepsilon_{it} \quad (۱۰)$$

$$\varepsilon_{it} = v_{it} + u_{it}$$

که در آن:

ROA: نرخ بازه دارایی‌ها (متغیر وابسته)

LOANS/TA: تسهیلات پرداختی به دارایی‌های بانک به عنوان معیاری از نقدینگی بانک که نشان می‌دهد چند درصد از دارایی‌های بانک در سال معین به عنوان تسهیلات پرداخت شده است.

LNTA: لگاریتم طبیعی ارزش حسابداری کل دارایی‌های بانک که معیاری از اندازه بانک است.

LLP/TL: معیاری از ریسک اعتباری بانک است که با نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات بانک اندازه‌گیری می‌شود.

NIE/TA: معیاری از کارایی مدیریت هزینه بانک است و با نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای به دارایی‌های بانک

اندازه‌گیری می‌شود.

EQASS: مقیاسی از قدرت سرمایه بانک است و با نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

GDPR: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

INFL: نرخ تورم سالانه

OVER-FREE: شاخص آزادی اقتصادی کل که به وسیله حقوق و آزادی‌های متعددی تعریف می‌شود و از میانگین ساده ده شاخص فرعی آزادی تشکیل شده و عددی بین صفر تا صد است.

BUSI-FREE: شاخص آزادی کسب و کار، شاخصی که توانایی آغاز، ادامه و خاتمه کسب و کار را توسط بخش خصوصی با توجه به میزان محدودیت ایجاد شده از جانب قوانین و مقررات دولتی نشان می‌دهد و عددی بین صفر تا صد است.

MONE-FREE: شاخص آزادی پولی که معیاری از ثبات قیمت و کنترل‌های قیمتی توسط دولت است و میانگین وزنی تورم سه سال اخیر کشور در آن لحاظ شده است. این شاخص عددی بین صفر تا صد است.

GOVER_FREE: شاخص آزادی از مداخله دولت که نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی را اندازه‌گیری می‌کند و عددی بین صفر تا صد است.

CORR_FREE: شاخص آزادی از فساد، ارزش این شاخص عددی بین صفر تا صد است.

Ut: جزء اخلاص

$i=1,2,\dots,n$ نشان دهنده بانک و $t=1,2,\dots,T$ ، بر زمان اشاره دارد.

توضیح این‌که در الگوهای فوق متغیرهای داخلی بانک و متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان برای همه الگوهای تحقیق به صورت مشترک مورد استفاده قرار گرفته است و در الگوی اول شاخص آزادی کل اقتصادی، در الگوی دوم شاخص آزادی کسب و کار، در الگوی سوم شاخص آزادی پولی، در الگوی چهارم شاخص آزادی از مداخله دولت و در الگوی پنجم شاخص آزادی از فساد آورده شده است.

۴. نتایج تجربی

به طور معمول لازم است پیش از برآورد الگوها مانایی متغیرهای مورد استفاده جهت اطمینان از عدم رگرسیون کاذب آزمون گردد. از آنجایی که دوره مطالعه کوتاه (۷ سال) است، نیازی به بررسی مانایی متغیرها نیست.

برای برآورد الگو ابتدا باید تلفیقی بودن و یا تابلویی بودن داده‌ها توسط آزمون F لیمر مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه صفر در این آزمون بیان‌کننده تلفیقی بودن داده‌ها و فرضیه یک بیان‌کننده تابلویی بودن داده‌ها است. طبق نتایج ارائه شده در جدول ۲ و مقایسه آماره آن با آماره F جدول، ملاحظه می‌شود فرضیه صفر در همه الگوهای پژوهش رد شده و قابلیت برآورد الگوها به روش داده‌های تابلویی تأیید می‌شود.



بعد از انجام آزمون F لیمر و اطمینان از تابلویی بودن داده‌ها، پرسشی که در این مرحله مطرح می‌شود، این است که مدل در قالب کدام یک از دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی قابل بررسی است؟ آزمون هاسمن یکی از آزمون‌های معتبر برای تعیین روش تخمین در داده‌های تابلویی است. فرضیه صفر این آزمون بیانگر تأیید روش اثرات تصادفی است که در اینجا طبق نتیجه‌ی ارائه شده از آماره در جدول (۲) فرضیه صفر رد نمی‌شود. بنابراین تخمین همه الگوهای تحقیق به روش اثرات تصادفی انجام می‌شود.

هم چنین با آزمون بروش و پاگان که درستی انتخاب روش اثرات تصادفی را در مقابل روش تخمین رگرسیون تلفیقی بررسی می‌کند به صحت انتخاب روش تخمین اثرات تصادفی اطمینان حاصل می‌شود. فرضیه صفر آزمون LM بروش و پاگان، روش برآورد رگرسیون ترکیبی و فرضیه مقابل انتخاب روش برآورد اثرات تصادفی است. طبق نتایج آزمون بروش و پاگان که در جدول (۱) گزارش شده و مشاهده مقادیر آماره محاسباتی و احتمال مربوطه، روش تخمین اثرات تصادفی تأیید می‌گردد. بنابراین برآورد مدل داده‌های تابلویی به روش اثرات تصادفی (RE) انجام می‌پذیرد.

جدول-۱. نتایج آزمون‌های تشخیصی

الگو	آزمون F لیمر	آزمون هاسمن	آزمون LM بروش و پاگان	آزمون ناهمسانی واریانس LR	آزمون خودهمبستگی ولدريج
الگوی آزادی اقتصادی کل	(۰/۰۰۰)۱۲/۴۳	(۰/۹۹۹)۰/۵۸	(۰/۰۰۰)۱۶۹/۷۵	(۰/۰۰۰)۱۰۹/۵۶	(۰/۰۲۵)۵/۹۸۳
الگوی آزادی کسب و کار	(۰/۰۰۰)۱۲/۴۴	(۰/۹۹۹)۰/۷۲	(۰/۰۰۰)۱۶۹/۳۱	(۰/۰۰۰)۱۱۱/۶۴	(۰/۰۰۰)۸/۸۱۷
الگوی آزادی پولی	(۰/۰۰۰)۱۲/۲۵	(۰/۹۹۹)۰/۶۰	(۰/۰۰۰)۱۶۶/۳۸	(۰/۰۰۰)۱۱۴/۷۸	(۰/۰۱۱)۷/۹۴۰
الگوی آزادی از مداخله دولت	(۰/۰۰۰)۱۲/۱۸	(۰/۹۹۹)۰/۵۰	(۰/۰۰۰)۱۶۶/۴۰	(۰/۰۰۰)۱۱۴/۷۰	(۰/۲۶۰)۵/۸۸۷
الگوی آزادی از فساد	(۰/۰۰۰)۱۲/۱۸	(۰/۹۹۹)۰/۶۰	(۰/۰۰۰)۱۶۵/۶۸	(۰/۰۰۰)۱۱۳/۲۸	(۰/۰۱۸۹)۶/۷۳۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در مطالعات مبتنی بر داده‌های تابلویی و تلفیقی احتمال بروز مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی جملات اخلاص وجود دارد. یکی از آزمون‌های مورد استفاده برای بررسی برابری واریانس در مورد داده‌های تابلویی آزمون نسبت درستی (LR) و برای آزمون خودهمبستگی سریالی آزمون وولدریج است. در آزمون نسبت درستی فرضیه صفر نشان دهنده برابری واریانس‌ها در الگو است، همان‌گونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود در همه الگوهای پژوهش فرضیه صفر رد شده و لذا مشکل واریانس ناهمسانی در الگوهای تحقیق وجود دارد. فرضیه صفر در آزمون وولدریج مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی در الگوهای پژوهش است. همان‌گونه که در جدول (۱) گزارش مشاهده می‌شود، فرض صفر در الگوهای پژوهش رد شده و نشان دهنده وجود خودهمبستگی در الگوهای پژوهش است. با تأیید وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در همه الگوهای مورد بررسی و به منظور رفع مشکلات فوق و اطمینان از نتایج برآورد، از روش تخمین حداقل مربعات تعمیم یافته در داده‌های تابلویی (GLS) استفاده می‌شود. نتایج برآورد الگوهای تحقیق در جدول ۲ ملاحظه می‌شود.

جدول-۲. نتایج برآورد الگوهای تحقیق

متغیرهای توضیحی	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
جزء ثابت	۱۲/۲۸ (۰/۰۰۰)	۳/۷۳ (۰/۰۰۰)	۳/۰۲ (۰/۰۹۳)	۹/۲۲ (۰/۰۰۰)	۱/۶۱ (۰/۳۹۷)
Loans/TA	-۰/۰۷ (۰/۸۸۲)	-۰/۲۴ (۰/۶۵۴)	-۱/۸۰ (۰/۰۰۱۰)	-۰/۲۰ (۰/۶۰۲)	-۰/۶۲ (۰/۳۲۳)
LNTA	-۰/۴۱ (۰/۰۰۲)	-۰/۳۷ (۰/۰۰۰)	-۰/۳۳ (۰/۰۰۰)	-۰/۵۱ (۰/۰۰۰)	-۰/۲۲ (۰/۱۳۷)
LLP/TL	-۱/۲ (۰/۰۲۳)	-۰/۷۸ (۰/۰۸۷)	-۱/۹۹ (۰/۰۰۵)	-۱/۳۹ (۰/۰۱۰)	-۱/۶۲ (۰/۰۰۱)
NIE/TA	-۱/۸۰ (۰/۶۷۲)	-۲/۲۲ (۰/۲۷۰)	-۵/۲۷ (۰/۰۳۷)	-۵/۱۰ (۰/۰۷۳)	-۱۲/۸۸ (۰/۰۰۰)
EQASS	۱/۷۸ (۰/۰۰۰)	۱/۷۲ (۰/۰۰۰)	۱/۳۴ (۰/۰۰۱)	۱/۹۹ (۰/۰۰۰)	۲/۶۳ (۰/۰۰۰)
GDPR	۰/۰۶ (۰/۰۵۷)	۰/۰۴ (۰/۰۰۲)	۰/۰۶ (۰/۰۰۵)	۰/۰۶ (۰/۰۰۹)	۰/۱۰ (۰/۰۰۰)
INFL	۰/۰۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲ (۰/۰۱۹)	۰/۰۲ (۰/۰۱۱)	۰/۰۲ (۰/۰۰۵)



				-۰/۱۴ (۰/۰۰۰)	OVER-FREE
			۰/۰۱ (۰/۰۰۳)		BUSI-FREE
		۰/۰۴ (۰/۰۳۳)			MONE-FREE
	-۰/۰۰۳ (۰۴/۰۶۴)				GOVR-FREE
۰/۰۵ (۰/۰۰۴)					CORR-FREE
۶/۷۳	۱۷۷/۸۲	۷۴/۲۹	۲۷/۵۱	۶۶/۷۸	آماره Wald

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵. بحث و نتیجه گیری

نتایج برآورد الگوها در جدول ۲ به صورت متمرکز آورده شده است. متغیرنسبت حجم تسهیلات به دارایی بانک (Loans/TA) به عنوان معیاری از نقدینگی بانک تنها در الگوی سوم تأثیر منفی بر سودآوری بانک طی دوره تحقیق نشان می‌دهد، و در سایر الگوها تأثیر معناداری بر سودآوری بانک نداشته است. لذا در خصوص اثر این شاخص بر سودآوری بانک در ایران نمی‌توان اظهار نظر نمود. متغیر لگاریتم دارایی‌های بانک (LNTA) که به عنوان معیاری از اندازه بانک در پژوهش وارد شده است، در همه الگوها بجز الگوی پنجم تأثیر منفی در سطح اطمینان ۹۵٪ بر سودآوری بانک‌های مورد بررسی طی دوره مطالعه داشته است. متغیر نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانک (LLP/TL) که به عنوان معیاری از ریسک اعتباری شناخته می‌شود، در همه الگوهای تحقیق تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌های مورد بررسی طی دوره تحقیق نشان می‌دهد. متغیر نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به دارایی بانک (NIE/TA) به عنوان معیاری از کارایی مدیریت هزینه در بانک در الگوهای سوم، چهارم و پنجم تأثیر منفی بر سودآوری بانک داشته است ولی در الگوهای اول و دوم تأثیر معناداری بر سودآوری بانک نداشته و بنابراین نمی‌توان در خصوص اثر این متغیر بر سودآوری بانک اظهار نظر نمود.

متغیر نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی بانک (EQASS) که به عنوان معیاری از سرمایه بانک است در همه الگوهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ تأثیر مثبت بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه در ایران در بازه زمانی تحقیق داشته است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در همه الگوهای تحقیق تأثیر

مثبت بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه داشته است. نرخ تورم سالانه (INFL) در سطح اطمینان ۹۵٪ در همه الگوهای تحقیق تأثیر مثبت بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه طی دوره تحقیق داشته است.

نتایج برآورد الگوی اول نشان دهنده تأثیر منفی شاخص آزادی اقتصادی کل بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه در ایران طی دوره تحقیق است. به نظر می‌رسد تأثیر منفی شاخص آزادی اقتصادی کل بر سودآوری بانک‌ها ناشی از سهم بالای دولت در اقتصاد و در بخش بانکی باشد. این سهم بالا (به طور مثال حساب‌های دولتی با منابع قابل توجه) به دنبال خود رانتهای متعددی در برخی بانک‌های مهم ایجاد نموده است. در مجموع کاهش آزادی اقتصادی به معنی افزایش مداخله دولت و رانتهای دولتی منجر به افزایش سودآوری برخی بانک‌های با سهم بازار بالا شده است.

نتایج برآورد الگوی دوم نشان دهنده تأثیر مثبت شاخص آزادی کسب و کار در سطح اطمینان ۹۵٪ بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه است. با لحاظ ویژگی‌های اقتصاد ایران به ویژه بانک محور بودن اقتصاد ایران، به نظر می‌رسد با بهبود شاخص آزادی کسب و کار نیاز به فعالیت‌های واسطه‌گری مالی، خدمات پرداخت، تسهیلات و به طور عمده خدمات بانکی، که به علت ناکارآمدی بازارهای مالی دیگر به طور عمده توسط بانک‌ها ارائه می‌شود، افزایش یافته و در نتیجه با رونق کسب و کار سودآوری بانک‌ها افزایش یابد.

همچنین یکی از مهمترین شاخص‌های تعیین کننده طرف عرضه اقتصاد وضعیت فضای کسب و کار است. سیاست‌گذاران اقتصادی با بهبود وضعیت کسب و کار هم به طور مستقیم بر رشد اقتصادی و خروج از رکود کمک کرده و هم از کانال اثر بر عملکرد بانک‌ها و ارتقاء نقش مثبت بانک‌ها می‌توانند زمینه را برای تحریک بیشتر اقتصاد برای خروج از وضعیت رکود تورمی فراهم نمایند.

نتایج برآورد الگوی سوم نشان دهنده تأثیر مثبت آزادی پولی در سطح اطمینان ۹۵٪ بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه است. شاخص آزادی پولی ترکیبی از کمیت‌های ثبات قیمتی و نیز برآوردی از کنترل قیمتی اعمال شده توسط دولت‌ها است. طی دوره تحقیق تورم در ایران رقم بالایی داشته و نیز کنترل‌های قیمتی در فعالیت‌های مختلف اقتصادی از جمله پتروشیمی، برق، آب، گندم و نیز وجود یارانه‌ها و نیز مقررات و قوانینی که قیمت‌ها را از طریق تصدی‌گری دولت در اقتصاد متأثر می‌سازند، حاکم بوده است. به نظر می‌رسد با بهبود امتیاز ایران در این شاخص از کانال بهبود رقابت در اقتصاد و کاهش قیمت‌گذاری‌های دولتی، بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین واسطه‌های مالی شاهد بهبود وضعیت سودآوری باشند.

نتایج برآورد الگوی چهارم نشان دهنده تأثیر منفی شاخص آزادی از مداخله دولت بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه است. به نظر می‌رسد به علت بالابودن تمرکز بازار پول در بانک‌های دولتی و خصوصی شده در اقتصاد ایران و منافع حاصل از حساب‌های دولتی نزد برخی بانک‌های بزرگ و نیز حجم بالای خدمات مورد نیاز دولت بزرگ که از طرف بانک‌ها تأمین می‌شود، این نتیجه را در اقتصاد ایران حاصل نموده که با افزایش مداخله دولت و کاهش شاخص آزادی از مداخله دولت، سودآوری بانک‌ها افزایش یافته است.



نتایج برآورد الگوی پنجم نشان دهنده تأثیر مثبت شاخص آزادی از فساد در سطح اطمینان ۹۵٪ بر سودآوری بانک‌های مورد مطالعه است. به نظر می‌رسد کاهش فساد که همراه با ایجاد شفافیت بیشتر و افزایش رقابت بانک‌ها است، از کانال‌های بانکی از تسهیلات تکلیفی با مبالغ بالا و سود پایین از طرف بخش دولتی زمینه افزایش سودآوری را در بانک‌ها فراهم می‌نماید.

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که با افزایش شاخص فساد در اقتصاد شاخص‌های اساسی بخش واقعی اقتصاد نیز تأثیر منفی خواهند پذیرفت. طبق مطالعه حاضر افزایش فساد منجر به کاهش سودآوری در بانک‌های کشور طی دوره تحقیق شده است. لذا سیاست‌گذاران اقتصادی کشور با اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت کاهش فساد می‌توانند هم به بخش واقعی اقتصاد و هم به بهبود عملکرد بانک‌ها که رکن اصلی بازار مالی در ایران است، کمک نمایند.





منابع

- باقری، حسن (۱۳۸۵). تحلیل عوامل موثر بر سودآوری بانک‌های تجاری. *تحقیقات مالی*، ۸(۲۱)، ۲۶-۳۳.
- حسینی، میرزا حسن و مریم خیبر شکن (۱۳۹۱). عوامل موثر بر نسبت های سودآوری در صنعت بانکداری ایران (مطالعه موردی: بانک های تجاری ایران). *نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی*.
- خوانساری، رسول، محرابی، لیلا، شاهچرا، مهشید، احمدیان، اعظم و هادی حیدری (۱۳۹۳). وضعیت بانکداری در ایران و جهان ۲۰۱۱ میلادی-۱۳۹۰ خورشیدی. چاپ اول، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سامتی، مرتضی، گوگردچیان، مرضیه و احمد گوگردچیان (۱۳۸۷). تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD. *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، ۱۰(۲)، ۱۱۳-۹۵.
- سامتی، مرتضی، شهنازی، روح الله و زهرا دهقان شبانی (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی. *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، ۸(۲۸)، ۸۷-۱۰۵.
- شاهچرا، مهشید و نسیم جوزدانی (۱۳۹۱). تأثیر نسبت سرمایه بر سودآوری بانک‌های دولتی و خصوصی ایران. *پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۴۳، ۱۲-۱۹.
- شوال پور، سعید و الهام اشعری (۱۳۹۲). بررسی ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها در ایران. *تحقیقات مالی*، ۱۵(۲)، ۲۴۶-۲۲۹.
- طیبه، کمیل، نظرپور، محمد نقی، شومالی، نرگس و ایوب خزایی (۱۳۹۱). اثر رقابت پذیری و شاخص‌های توسعه مالی بر سودآوری سیستم بانکی ایران، *سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۲)، ۵۲-۲۹.
- نادری، مرتضی و احمد شربت اوغلی (۱۳۸۶). بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها (مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی). *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، ۹(۳۲)، ۱-۲۹.
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. (2001). **The colonial origins of comparative development: an empirical investigation.** *The American Economic Review*, 91 (5), 1369-1401.
- Athanasoglou, P. P., Brissimis, S. N., & Delis, M. D. (2008). **Bank specific, industry specific and macroeconomic determinants of bank profitability.** *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 18 (2), 121-136.

- Barth, J. R., Caprio, G. J., & Levine, R., (2006). **Rethinking Bank Regulation: Till Angels Govern**. Cambridge University Press, New York.
- Ben Naceur, S., & Goaid, M. (2008). **The determinants of commercial bank interest margin and profitability: evidence from Tunisia**. *Frontiers in Finance and Economics*, 5 (1), 106–130.
- Chantapong, S. (2005). **Comparative study of domestic and foreign bank performance in Thailand: the regression analysis**. *Economic Change and Restructuring*, 38 (1), 63–83.
- Chortareas, G. E., Girardone, C., & Ventouri, A. (2013). **Financial freedom and bank efficiency: Evidence from the European Union**. *Journal of Banking and Finance*, 37(4): 1223–1231.
- Cooray, A. (2011). **The role of the government in financial sector development**. *Economic Modeling*, 28(3): 928–938.
- Debandt, O., & Davis, p.(2008). **Competition contestability and market structure in European banking sectors on the eve of emu** . *journal of banking and finance*, 24(6),1045-1066.
- Heffernan, S. A., & Fu, X. (2008). **The effects of reform on China's bank structure and performance**. *Journal of Banking and Finance*, 33, 39-52.
- Holmes, K.R., Feulner, E.J., & O'Grady, M.A. (2008). **Index of economic freedom**. The Heritage foundation, Washington, DC.
- Kosmidou, K. (2008). **The determinants of banks' profits in Greece during the period of EU financial integration**. *Managerial Finance*, 34 (3), 146–159.
- Lin, C., Ma, Y., & Song, F.M. (2010). **Bank competition, credit information sharing and banking efficiency**, Paper Presented at the Sixth Asia Pacific Economic Association Conference, Hong Kong.
- Low, S. L., Ghazali, N. A., Ramlee, S, & Said, R. M. (2010). **Economic freedom and banking development: the experiences of selected east Asian countries**. *Journal pengurusan*, 31, 71-81
- Mayer, C., & Sussman, O. (2001). **The assessment: finance, law, and growth**. *Oxford Review of Economic Policy*, 17 (4), 457–466
- Merton, R. C. (1993). **Operation and regulation in financial intermediation : a functional perspective**. In operation and regulation of financial markets, ed. P. englund. Stokholm: economic council.
- Ramlal, L. (2009). **Bank specific industry specific and macroeconomic determinants of Profitability in Taiwan Banking System: under panel data estimation**. *International Research Journal Of Finance and Economics*. 34,160-167
- Short. B. (1977). **Bank concentration, market size and performance: some evidence from outside the United States**, Mimeo, IMF, Washington, DC.
- Sufian, F., & AbdulMajid, M. (2011). **The nexus between economic freedom and Islamic bank performance in the mena banking sectors**. Mpra paper 51285, University Library of Munich, Germany.



Sufian, F., & Habibullah, M. (2010). **Does economic freedom foster banks' performance? Panel evidence from Malaysia.** *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 6(2), 77–91.

Archive of SID

انتر آزادی اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران ایران با تأکید بر... / سعید دانی کریمزاده، محمود سلیمانی



۱ :

Impact of Economic Freedom on the Banks' Performance in Iran

Saeed Daei-Karimzadeh, Mahmoud Soleimani

Received: 12 November 2015 **Accepted:** 05 July 2017

In the most countries, particularly developing countries which have undeveloped financial markets, banks play a key role as the most important financial intermediary. Improving the performance of banks can have significant impact on the efficient allocation of financial resources. Banks' performance is affected by internal factors under the control of banks and external factors. Economic freedom can affect the quality of banks' performance through the impact on the environment of exchanges. This paper examines the impact of the internal variables such as banks' liquidity, size, credit risk, non-interest expense to assets and capital ratio and key macroeconomic variables including economic growth, inflation, and economic freedom index on the banks' performance in Iran using panel data model over the period 2005-2012. The results show that the economic freedom and freedom from government intervention indices have negative effect and economic growth rate, inflation rate, banks' capital, business freedom, monetary freedom and freedom from corruption have positive effect on banks' performance in Iran.

Keywords: *Freedom, ROA, Banks' Performance, Panel Data.*

JEL Classification: G21, G28, E02.